

جای اداره: کما

سر دبیر: سید علی محمد حسینی

نگارخانه: مکاتیب باید

خوان ذیل باشد

فارس جنگل

هفته و شماره طبع شود

مک نزهت شاه

کتابخانه

۱۳۳۵

تاریخ کتبیت: ششم شهریور ماه ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و علاقه

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نمیشود

در اشتراک جداگانه نرد دریافت شود

قیمت اشتراک

بیمه ۵۰ قران

این روزنامه فقط بکامسبب حقوق ایرانیان و منظور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول: حسین کسایی

یک دادخواهی وجدانی
 بایاری فارس صالی ایران با پشت گرمی مسامت
 جوانهای غیور رشید تمدن مرام جمعیت را تعجب خواهم کرد
 این ارضت نقش یک جنت تحریریه داره
 یک قویه گیلان و تنه اباب تحریر و طبع و توزیع
 یک روزنامه با حالت عالی و نا و جنگ چو ناک
 امروز می و فقدان تمام آنچه تا یک قبل از این جنگ
 سهولت تحصیل میشه کاریت بی اندازه و شوار
 بابا امیکه تمام مواضع را برای العین احساس میکنی
 منت قاذبین جنگها و تو جبات قابل سایش
 ایشان بالاخره که نظم کرده بنویسیم
 امید و دهیم تحقیقات و دوستان و هموطنان ما
 از هر اقدام مثبتی باز داشته برادر است و اداره
 ما متعنه تقسیمیم . ما متعنه و البته احتیاج محرک
 و مرئی شخص میدانیم . ما در این سنوات اخیر
 ابتلائی که با ما داره شده ختم کرده ایم کسیکه
 بارگان که امیر از چاه ضلالت نجات و در حق جنگ

بگردن او دارد
 یک پر و فوراً لایحه میگوید
 ای احتیاج تو برنی منی ای احتیاج تو مصلح افکار ما
 ای احتیاج تو پدر می تو مادر می تو برادر می تو یاری
 تو با و می... پس یک ایرانی اگر بگوید
 ای عقیده تو ما را برادر است بدیت میلی ای تعهد
 تو ما را از سهو و اشتباه باز میداری تو را دوست
 داریم و جوایز میمان خواهیم داشت شاید بگفته
 باشد
 اینک با لحنی صبور و حالت منظره و قلبی سرشار از اطمینان
 جنت رجال و سیاست و دولت ایران و بوعده باقی
 صادقانه اولیا و در راه این دولت مردمی شروع
 تا بسبب و توزیع این روزنامه کرده ایم و همچو
 نیز خواهیم با اصطلاح «مرگ بابا تازه کمسیم» ادلی چون
 ما را با نهایت محبت بعضی از دوستان و آشنایان

دعوت پروردگار است بلکه بی‌زمنیت طمان می‌کنند با نهایت
 بخت از بدبختیهای خود و تسلیح زحمات و فداکاریها
 و ساز جنگلیها با جود تمام ایرایان و باغ دیده
 و صحبت کتیده از نامین خود بستر حائات سوال
 میکنیم آیا پوشه وجه خوشبختی و سعادت با رخ نمود
 که ما قلوب خود را بدان تسکین داده و بفضای سائر
 نقاط ایران متواری شویم آیا فقط یک اظهار لطف
 و محبت جیران خارات و زحمات تا دیر درازا
 خواهد کرد؟

پس لازم است بعنوان افشای رازهای درونی
 (در بقصد شکر و شکایت) یک مقدار از صدمات
 داده شده بخود را برای منقض آزادی خوانان عالم شرح
 و رسم فاصه در جواب (مکتوب سرباز) که از طرف
 کارکنان روزنامه مساوات مطبوعه رشت با شماره
 و شماره ۲۴ آنجوریده شریف مندرج بود و بختیب
 قول باجمل لاهم است بطور اجمال کی زی بسیار
 و در ذرا از شماره جراحات چند بلاکش ایرازا با
 یکدیگر تا تلف برشته تمجیر در آوریم.

در دولت مجاریه دولت ایرازا مجبور کردند در سال
 ۱۳۱۸ قمری از آن در دولت افغانه به غرضی بنیاید
 نیز منصرف کردن ایران در مدت ۲۴ سال گذشته
 از تاسیس و ترمیم جریه شوشه و این جهت نظامی
 مشاقان و معین اطیشی که قریب سی سال قبل برای
 اصلاحات ایران طلب کرده بود و عاقل و باطل بنیاید
 و این ایرازا که از آنوقت بعد بجای محفل کرده بودند
 بهر وقت تصفیه کنند.

طلب حق کشی را از ایران کلیتاً از بدیای فرزد
 حق تفسیر قوه کرکی تجارت و فواید اقتصادی

و امتیازات و معاونان را مخصوص بخود کردند
 حق تفسیر قوه کرکی را از ایران گرفتند
 بعد از اینهمه بدبختیها در دولت هموار متحد
 در سال ۱۳۲۸ ایرازا از دادن هر امتیازی بجا
 بدون صلاح حدیه آنها منصرف کردند.

حق استخدام متحذین از محل خارجه برای اصلاحات را
 در سال ۱۳۲۹ از دولت ایران سلب نمودند که بدون
 تصدیق آنها نواند کسی را از خارجه استخدام کند
 حق نگاه داشتن قشون را از ایران در سال ۱۳۳۰ از
 دولت ایران نیز گرفتند که هر وقت دولت ایران
 خیال داشته باشد یک قشون خیلی کوچکی هم بگیرد
 آنها اجازه خواهند داد بشرط آنکه قبلاً با آنها
 مذاکره کرده و در ای دولتین را در باره کیفیت آن
 قشون تحصیل کنند

دولتین روس و انگلیس دولت ایرازا مجبور کردند
 که بمقتول نامه ۱۳۲۵ دولتین را در خصوص ایران رسماً
 تصدیق کرده حق اظهار داشته که ایران باید حمایت
 دولتین را بپذیرد ایران پذیرفت اما محمدولی خان
 سنگابی انصر سلطه امیراکرم و سپهسالار و سپهسالار
 تا در آتیه چه شود چندی قبل خواست بپذیرد دولت
 وادان محمد علی شاه دوباره با ایران و آن انقلاب
 قهرمانی (در صورتیکه بموجب مقاله نامه ۱۳۲۷
 دولتین روس و انگلیس متعهد شدند جلوه گیری از
 و سالی شاه مخلوع بنایند) برای بهم زدن اصلاحات
 و حایکه متر شوشه در پناه مجلس ملی ایران شروع
 کرده بود اول اولیقا توتم (انام محبت) نوشتند
 و شوشه و همراه نر اسیجر و عطف بکل وقت آوری
 ببردن کردند مثل آنکه ظاهر این آیه بات ایرازا
 دریم سابق دولت روس میگردد ولی چنانچه در

کتاب آبی انگلیس مندرج است (۱۹۱۲) ابتدا دولت انگلیس اخراج شوستر را به تبریک آنوقت و (پلور و گراد) حالیه شهنشاه کرده و تحریک شجاعانه و صد خان فارنگر معروف در تبریز که از طرف اجانب خود را حاکم خواند و آنها را خونها که بناحق از سران آزادی خوانده و استقلال طلبان ایران ریخته و آنها را بدترین اشکال شکنجه کرده و بدار آورده و دو هزار نفر را محنت انگیز منزهشلی مقیم تبریز بودارت خارجه آنوقت ایران نوشت و خوب حاکمی است و قبول عامه دارد

کابلی بالاتفاق . زمانی بالاتفاق

روس بدخلات نمایندگی در تبریز سابق دولت تمام در ایالت شمال ایران حمایت صریح بانگ استوارش است (مخفی) (ده تومان) بانگ طرف معاطه بود که این اقدام مخصوصاً محض جلب تمام بشیر فحاشی ایرانی و تاکنون بزرگ و ایالات شمالی و مرکزی بود هجرت و در این مکتب از صد هزار نفر بجاک ایران از قبیل استرآباد و آذربایجان و تهرقات مالکانه و آذربایجان و گیلان و بندر و استرآباد و خراسان ساختن قلاع و مراکز لشکرگانی بی سیم و غیره و آذربایجان و گیلان چند نقطه که تا دونه پیش با ستار و اجبی مستر بود تا فاعلش بوده باشد تجاوزات دبی احترا میهای تحمل نکردی و در مشهد با اینکه مکرر نمایندگی روس در گیلان و آذربایجان اخطار کرده که احترام مراسم مذهبی همیشه رعایت میشود مخالفت از تاسیس شعبه های قوا و در ایالات شمالی ایران وسی و کوشش فوق العاده در بهم زدن اداره مطین شجاع عالم فداکار بودی یک دولت همسایه و کمال انفراد

پایه کردن قشون بودیات بخت بزرگته جنوبی ایران فاضله شیراز و بندر عباس و بندر بوشهر ایقازات تلگراف و راه آهن و کشتی رانی در کارون عیایم مستقل کردن ای با فاختن فارس و برای جنوبی مخصوصاً شیخ قوعل سده کردن در رودخانه بومل فارس و غیره و غیره و غیره

مهمی این اقدامات چه شد دول متحابب ایران از آمدن لشکر گشتی خویش در آرزوی و سه هزار آذربایجان بجاک ایران حمله نمودند و گلبها از خاک ناصری باهواز و حمزه بسر عثمانها ریخته آمانه بسر عثمانها بلکه رعایای بگیانه ایران را زیر پا گرفتند صد خان را که بنواران زحمت و دولت ایران موافق شده بود از ایران سرودن کند از تقطیس بایران کشیدند تا قشون نظامی قدیم ایران را جمع کرده و با همسر ایران لشکر گشتی کند و عثمانها حمله نماید ج. ک. بقیه دارد

یک وزیر وطن پرست و ملوکا

سواد کتبی است که بتاریخ الاجمادی لادنی از طرف آقای سپهدار اعظم وزیر داخله سابق حکومت گیلان و طولش نوشته شده و بعضی آنکه اظهار حالیه اینگونه فداکاران بهوم انالی ایران معرفی کنیم در این شماره از جریده جنگل آزادیج کرده و بعد از این سایر مکاتیب وطن پرستانه آورده که بدت آورده ایم یکی بعد از دیگری درج خواهیم کرد سود کتوب وزیر داخله شمرل سردر امضوه قدیم و سپهدار حالیه و شاید سه سال آینه حکومت گیلان و طولش آقای حاجی صفاه

خالد واه

محل شیر و خورشید : وزارت داخله : اداره دایره :

مورخه ۱۳۳۵ هجری شمسی : شماره :

فدایت شوم بعد از استعلام از مجاری امور و سکا می حاکم

شریف این شرح را بطور خصوصی عرض میکنم البته از وضع کنونی

و پیشرفتهای قابل تقدیر قوئلهای دولت امپراطوری در قوئلهای

ایران و تخلیف و نسرار نمودن قوئلهای عثمانی و تصرف بحدان

و سایر شهرهای اشغال شده عثمانیها از یکطرف و از طرف دیگر

قوت دولت انگلیس بدین النهرین و سقوط کت العاره

و غیرتیه و تهدید بغداد که احتمال قوی میرود تا این بجهت

بصرف قوت انگلیس پایبندید اید با این تفاهیل و

پیش آمد های خوب حقیقا انصاف نیست از سرارت و غارتگری

یکت جنگلیها در گیلان جلوگیری و موجبات قلع و قمع آنها

فرایم نیاید

و تعجب است بجدتی که میثوم مسیولم قونول دولت

بنیه در این موضوع دارند چرا اینکار این قدر باید طول میکشد

در اینموقع اگر کسبهدالی چهار صد نفر از قوتون دولت

امپراطوری را بتوانید بهر ای طالشها بفرستید یقین

دارم با کمال سرعت با یکبار فائمه داده خواهد شد

بخصوص اگر امیر مقتدر هم امیده دار و مسؤل قرار بدید

بعقیده من موقر انبایه از دست زار خوب است همین

مراسله مرا هم بنظر جناب قونول برسانید و زودتر اقدام

نمائید و از نتیجه بر مطلع سازید و الا اگر از طرف مخالف

و اسعجات بخوانند اقدام میکنند خط عظیمی است زیرا آنها

اطلاخ از جنگلیها هم گیلان ندارند میرسم باز اسباب میر

جنگلیها فرایم شد و چنانچه در فقه مناخر الملک مرحوم

موفق شدند در هر حال جناب قونول مذکره نموده

و حمل است تا این بجهت جناب جنرال بار اتف هم مرا

بکنند بطور یقین ایشان هم شریک عقاید من خواهند

بود چنانچه در طهران هم میفرمودند

محل امضاء فتح آ

ارانس جنگل

روز شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۵

از شسته تا جنگل - امین الدوله معلوم الحال و حاج میرزا

محمد رضای ام العده (نمیدانم بچه مناسبت یکی دو نفر بچه

آخوند دیگر) با مشتاد نفر پیاده که با لشکر ای سر پر

قدیم مسلح بودند (کار حاجی مصطفی، حسن موسی، و قال خان)

و چند سربازان که با ورنند مسلح اند و بتوجهات آقای

سردار منصور (جبردار) غلط گفتم سپه دار عظم برای

قلع و قمع جنگلیها ما بقا برشت و تساده شده بودند و چند نفر

قزاق ایرانی بچاره بی نوا برای غارت رعایای شسته تا

با بخار فته امین الدوله و توله های شکاری مورد خدمت قون

باده و مسلح بدید بستم مورد خدمه چندین روز بود در آن

منگنه از این اجاره نامه برور بگیر از آن مفاصا بزد

از یکی قباله بخر مطالبه کن از دیگری باقی سی ساله عهد شاه

در دوزک بشکنجه و چوب و چماق نخواره الققه در نهایت

جدیت و فعالیت مطابق اصل حقوق من الهی مشمول

تصفیه امور آنجا یعنی گرفتن جان و مال رعایای فقیری و پناه

آن حول و حوش بودند و در حرکت همین الدوله در اینموقع

بلشسته بعضی اسرار دیگر کفون است که در نرات آینه

بوض قارین گرام خود میرسانیم

هر چه از رعایای شسته تا با دارات و دوا بر رشت مخصوصا

باقای فتح الدوله عا در موقوفه عرض و اظهار شد چرا

داد (باید شب محرمانه مراطلاقات نمائی) شنیدند فانه

بود که سعوی خود را از شسته تا احضار کرده رجا

خود را قطع کرده بودیم اما از طهران از طرف حاجی معین
الملك رشتی

بلغ العلی بکاله کشف الی بکاله

حنت جمع خصاله صلوا علیه و آله

و دکتر تورک فیل یعنی نکات

و سردار منصور (ای مرده سوار این حافظه مرا برود)

سپه دار عظم تعلیمات لازمه در باره انتخابات و سیرت

و غیره و غیره و غیره

که سواد مکاتب طرفین را شاید در نجات آینه روح

گفتم داده میشود اما مورد فتن فرصتی نمیداد سمیع خان

از ترکیون را دیر حاضر میگرد در این حصین و حصین

بنگاه از کنگاه جنگل فوسن یک عده فدائیان

جنگلی با بریت اتحاد اسلام و امت تائید اتم

سرگرد کی شجاع غیور آقا میرزا کریم خان

از طرف شرق بلتاش حمله کرده با پیشت کردیم

آنها پس نشستند بالاخره آقایان را کلاً از جمعاً

خاری بگوئیم همه شان را دستگیر کردند بجز ابراهیم

بیر وال جناب مستطاب اجل افتخار ایجاب حاجی مفا

خو الله و له بحجرتی دونه چهار نفر مقتول از طرفین چشم

زخمی باقی این الدوله نه سجاج میرزا محمد رضای ابراهیم

با ام القله نه بان چند نفر با دمان و در قاپ من

همی ریزه پای دیگر زبیده صیفا سالاً محرابا کمال

عقل و شعور و جهت و مرد در فی حالت بیخ منم جمع

لا قاری الشریع سجات جنگل ره سپار شدند مجاز

این مقدار خبر با اداره ماسیده و سیم های تلفون

و تلگراف و مخابرات های بی سیم و سیم های تحت

البروی بکلی معطوع و از ساعت شش صبح جمعه نه

دروغ گفتم (دروغ گوئید است) تا این ساعت

ما موردین ما بعد مشغول ترسیم سیم ها و تعمیر نقاط راه
آهن که در این واقعه بانوز قدری آفت یافته اند
بچاشد حیف از این الدوله مرحوم آفرین باین
پرافسوز از آن نام نیک و ای از این بد نخجی و
بد نامی

ابن الوقت
بینه دارد

اعتذار

چند روز قبل که من از طهران برشت معاودت کردم
چون چندین سال بود از یار و دیار مجبوراً مفارقت اختیار
کرده بودم محض تجدید ملاقات چند روزی درشت توقف
شدم از ساعت در دو تا ساعت حرکت از محوطه
طبقات انالی و عموم رجال و محرمین محض تفرقه و دوری
از من برکش عالم آمده گریه با نهایت اشجار و دمان
انهارا پذیرفتم لیک قلبا نهایت شرمنده و منفعل
بودم که موفق باز دید نتوانم شد و بواسطه ضیق
وقت و غریبت فوری من بجنگل این عرض گردان
من خواهد ماند.

ایک از کما که محل طبع و توزیع روزنامه جنگل
است احترامات فائده خود را تقدیم حضور تمام هموطنان
غیور رشید خود کرد در بابش ملاحظه را شکر مراحم میند
ایشان را تقدیر میکنم و نهایت معذرت از قصور در انجام
این تریفه میجوام

از الیک بنک و این راه
ایک بفر بنک المشیج

معین کمانی

ادبیات

یک غزل بدیع که در آخرین روزهای که از طهران میآمدم
 ادیب محمود آقای کمالی شخصاً برسم یادگار بن لطف
 نمود و تازه نام یادگاری بزرگ از ایشان برام
 خواهد بود سببش در جریده دیده ایران مدح شده
 دیدی کسیکه تیره از ادبگت کار ما
 خود روز تیره تر شدش از روزگار ما
 منت خدا را که نزدیک ما رسید
 بر آرزوی خود دل امیدوار ما
 چنان بر آنچو لب با آن صنم شکست
 این بود ما که بود مدار نگار ما
 زلف تو سر ز صحبت ما آنقدر کشید
 کاز دست برد بگریه صبر و سدا
 آوغ که باز حرف زخیم روی عمل
 در نه نمی شکست چنین اعتبار ما
 نخلت چه با بریم سپس تا به دیار
 گر کار نامه ببرند از دیار ما
 آخر کز دیده کنار از گریستن
 در بار محبت از مرده تا به کنار ما
 ما غیر دس عشق کمالی نخواهیم
 جوی که هست هست بر امروزگار ما

ج. ک

تقریظ

روزنامه نو بهار که از حیث اشعار مدعای مستغنی از
 توصیف است بقلم همین ادیب راه دانشند آقای
 ملک الشعراء خراسانی مجدد ابجد از تحمل صدات فوق
 الطافه زینت بخش عالم مطبوعات گردید با این پست
 اولین شماره اسس توسط یکی از دوستان صدیقی بافشار

اداره روزنامه جنگل رسید کارکنان این روزنامه
 با یکدیگر شایسته تریکات صمیمانه خالصانه خود نیاز
 مقدم آقای ملک الشعراء کارکنان اداره نو بهار کرده
 یک آهنگی که از گستاخ بظهران برسد

زنده باد ملک الشعراء پاینده باد نو بهار
 در می و در می - ما و روت و در می

از مایه آقای معین بایون امین باینه گیلان و طولش
 یک قطعه یک خط بر عا دگسنی با صحنی با اختلاف از یاد
 یعنی یک صورت خلاصه میزان عایدات و مخارج دو
 ساله دایره نواقل از تاریخ اول مهل نوشکان نیل
 الی آخر حوت بمنه ناضیه لوی نیل ۱۳۲۵ بابت فرس
 با داره رسیده و این آرا محض استحضار خاطر تاین
 گرام و بیلا درج میکنم

فوت شوم دانش واد و جو مبارک ز سر سر
 حوادث روزگار در شریل و نهار مهلون
 به زمین بارت العالمین بارت عارفته دلا
 منتجاب کن چمن صحر و دانه چمن نبله
 تقدیم شد به آقا زکاتان نوشکان زمانه
 هر که باشد زحمت پرسان یک بیکر او فرزند

معین بایون
 ۱۱) نیکو در جنگل کسب آن طرف مخصوص میوه چیدن
 گویند

۱۲) بایان کینه را گویند که در صحبت عیادت
 عیش و بجات زودار در اول پول پرند

کارکنان اداره با برت فوق التصوره جمله کن
 فرانس پست را با دست راست در آخرش کشیدند
 با دست چپ جیب او را آرام تفتیش کردند تا بلکه
 صورت عمل لایحه جان لشکرود در آنکوه و غیره و غیره

آقای کاظم خان مجاهد غیور و آقای محمد خان مقدر السلطنه
و خود حضرت اجل اشرف انجم عالی را در آنجا پیدا کند
توبه و من جاب کنم

تی نوکرتی

بقلم کلی از شاگردان مدرسه کسما

بارانجای متواتره چند شبانه روز تقریباً در تمام نظم
گیلان باریده بنابر این خوان نعمت بید نقش همه
جا کرده موجب اذیت در تمام اطراف اکناف
فومن متوجه انانی است تقریباً یکسال تمام است که
دیگر بسوی بظلم و تعدی و زدوی در این طرفهاست
میرآب فومن آقای حاج رئیس و میرانی شفت بعبده
کفایت و دیانت آقای آقا سید رضا آقای آقا سید بولاق
جنگلی میرآب کسما آقا شهیدی کاظم جنگلی میرآب
طوالش و کسرا آقا شهیدی ابراهیم میرآب تولم و غیره و غیره
جوانهای وطن پرست جنگلی است میوانم با کمال
قدرت بان مدیر محترم اطلاع دهیم که دغاری هیچ
اسم در رسم از ما لکن جز در رعیت هیچ عنوانی گرفته
نشده.

زیت هدلس با سفید جفت کلنگ
زامن و دوش شیرسیاه جفت شغال

نه این فراز برد در هوا بود جنگل
نه آن فراز برد در زمین جنگل
دولت همیشه در این دو سال موفق شده که مالیات
معمولی را توسط کوچکر اجراء داده این مالیات از این
صفحات دریافت کند.

و در مدرسه با بریت اتحاد اسلام در کسما و فومن
اخیراً حادث شده با کمال نظم و ترتیب در ارباب

مدرسه کسما مستی بمدرسه اسلامی و مدرسه فومن تمام
نصرت نمیده میثود نصرت و ارای می دو کلاس در
س اطاق و اسلامی و ارای چهار کلاس است مدرسه
کسما بشنا و پنج شاگرد (از هفت سال تا ۱۲ ساله)
در مدرسه فومن شصت و هفت شاگرد و بن معروض
دارد و مدرسه کسما آقا میرزا جواد جنگلی و دیگر مدرسه

فومن آقا میرزا علی آقای جنگلی است که کاتب روزنامه است
نیز مکتب و تعلیق را هم خوب می نویسد و در برق
شیر و خورشید در اعیاد پیام هر دو مدرسه نوشته
می شود و هر صبح و شام تمام شاگردان طعن مؤثر
به عالی بقی ذات اقدس میسوزی، عجم حضرت قدر
قدرت سلطان احمد شاه خدایه ملکه و سلطان مطرب اللان
این مایه عبرت است و قیس که خبر تکمیل کابینه جدید ملی بریا
حضرت اجل اعظم پرنس علاء السلطنه و عضویت فدایی
و وطن پرست مفضل اولاد حسامی و لیل در کسما شہرت پیدا کرد

- آقای علاء السلطنه رئیس اولاد و وزیر امور خارجه
 - آقای مستوفی الملک وزیر مشورت و مسئول بدون (پودت نوی)
 - آقای مشیر الدوله
 - آقای مؤتمن الملک وزیر فواید عامه و تجارت
 - آقای مستشار الدوله وزیر اوقاف
 - آقای حاج محمد السلطنه وزیر مالیه
 - آقای ممتاز الدوله وزیر عدلیه
 - آقای حکیم الملک وزیر معارف
 - آقای نصر الملک وزیر پست و تلگراف
- تمام شاگردان بهیت اجتماع پس از دعای نوبت
افدس طوکانه اراء و احسان فداه بنام وزیر ارای صیدی
دلمن پرست زنده باد محمد طلالانی کشته شد

اعلان

روزانه جنگل تقریباً پنج فرسنگ مسافت از پشت
 با تکیه زحمت شاقه بنشیند در بار طبع می شود آنها که در
 ایالت و ولایات وطن خانه مرکز بنیاد طبع و تفریح
 سر به گشته از موافق اطلاع دارند شما میگردید
 با شکر آنکس بنشیند مخصوصاً االی گیلان باید در طبع
 به قرا داره روزنامه با جنگل که در پشت در خانه
 آیه معین خواهد بود که در و در ایوان را در وقت
 بر روزه آما نخواستند که فکر اصلاحات ایسی
 با شکر و یک اندازه از نواقص اقتصاد و خیال
 با رعایت باشد

توجه

از طرف کارکنان اداره روزنامه جنگل
 به طمان
 یک روزنامه بنیواند با هر مقام ادوات رسمی
 کسری و لشکری دولت باشد و حق داریم
 و بنحوا هم از خود بخواند کنیم ما بر این
 از وجه بیکر نکایب که رایج بمقاصد و منافع
 شخصی است سعادت بنحوا هم و اگر در سعادت ملی
 واجب و لازم باشد جنگل بنحوا با آمدنی خواهیم
 کرد و از وجه بین معاملات مخصوصاً مقالات
 اقتصادی شخصی بنحوا سعادت بنحوا هم
 کارکنان اداره روزنامه جنگل

ملاحظه

آقای میر محترم مسند در روزنامه عصر سعادت
 اصدرج بود که در چه صورت است اگر بنحوا هم

روزانه از خودش تقریباً کنیم خودمان
 حاصل شد
 بنده که یکی از شما گران در جفانی در نه اسلامی
 بنشیند که گیسو ششم بطریق ذیل حل نموده است
 است در آن محترم بریده و درج خواهد شد
 بر این در جفان زاده بگذارد

جواب
 ۸۷۶۵۴۳۲۱
 ۱۲۳۴۵۶۷۸
 ۷۵۳۰۸۶۴۳

نام ابراهیم زاده ساگره کلاس چهارم
 محمود خان خانمی بگویند شش ماهه

اما حضور
 از قرار که از پشت با اطلاع می بیند بواسطه شکایت
 سرتیرو االی گیلان میرزا محمود خان نام رئیس
 تا بیات شش ماهه پشت از مرکز بافتن در برین
 مخصوص تحت الحفظ است معارضه تا در خیانتها
 و خیانتها در تنوع با یک از مردم گیلان گرفته مخصوص
 از صد و پنجاه نفر که با هم مقصرین جنگی آنها را
 کرده و با انواع شکنجه آما بنحوا داده و معذب شده
 است این اقدام بیست کارکنان روزنامه
 چه در با قدر کرده امید داریم تمام خاستن صحیح
 وطن در شش مؤمن مجازت رسد این محرومان
 که بنده ایم که کدام یک از مردم با خود خاندانی
 طمان دوره (جهت توجیه) در پراکنده انگیز کرد
 جنگی از دست مردم گیلان کرده و صلحنا از آنها
 با هم در رسم گرفت آما آنها را که واقعا گرفت
 پس خواهد داد؟

پس از بیات با اندازه تقصیر عیارات خواهد شد؟
 من در شش کسزده بیست و شش جنگی

صلحنا گناه